

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

ایسکرا

۶۹۶

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۱۷ مهر ۱۳۹۲، ۹ اکتبر ۲۰۱۳

سردبیر عبدال گلپریان

کمونیسم جناح چپ جنبش ملی کرد نیست در نقد تبیینهای رایج ناسیونالیستی و چپ سنتی



محمد آسنگران

کمونیستهای چپ به شکل احزاب و سازمانهای رسمی و چپ افراد و جمعه... این تعریف را پذیرفته و خودشان را جناح چپ همین جنبش تعریف کرده اند. با نگاهی به گفته ها و نوشته های جریانات سیاسی مختلف رد پای این تبیین را کم و بیش میبینید. درک همه

صفحه ۲

تاتر خیابانی در مریوان راهی برای آینده!



نسان نودینیان

بودند. بالاخره تمام این ارزیابی ها واقعی و یا اغراق آمیز سیال و به مرور زمان تبدیل به آمادگی برای کارهای بهتر میشود. هدف من ارزیابی از این تاتر نیست. و قاعدتا هم کار من نیست. من کار تاتر در مریوان را در جهت راه و مسیری میدانم که سرنوشت و آینده جامعه را با این همه شور و ابتکار و خلاقیت رقم خواهد زد. مضمون و محتوای این جنبش؛ جنبش برای شادی، جنبش برای هنر و تاتر مدرن، جنبش برای تاتر انتقادی، جنبش خیابانی، جنبش کارناوال رقص و پاراده، جنبش کودکان خیابانی، جنبش

فستیوال تاتر خیابانی مریوان (پایتخت تاتر خیابانی در ایران) «تحت نام هشتمین جشنواره بین المللی تاتر خیابانی» در ۱۳ مهرماه یسپایان رسید. مردم شهر با نارضایتی این فستیوال را بدرقه کردند. از کار تاتر و اجراها ناراضی

صفحه ۲

همزمان با برگزاری جلسه هیات حل اختلاف، کارگران فولاد زاگرس دست به تجمع در مقابل اداره کار شهرستان قروه زدند

هیات حل اختلاف اداره کار شهرستان قروه برای رسیدگی به اعتراض شرکت فولاد زاگرس نسبت به رای هیات تشخیص این اداره تشکیل شده بود. هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه در پی اعتراضات متعدد کارگران فولاد

ظهر روز چهارشنبه دهم مهر ماه همزمان با برگزاری جلسه هیات حل اختلاف اداره کار شهرستان قروه، کارگران شرکت فولاد زاگرس دست به تجمع در مقابل این اداره زدند و خواهان تحقق خواستههای خود شدند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران جلسه

صفحه ۵

نگاه هفته

مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان

نسان نودینیان

دست دادن ارگانهای بدن و از کار افتادگی نیشوند. کسی از سرنوشت کارگران آسیب دیده خبر ندارد. گزارش زیر در سایت «مریوان نیوز» داستان زندگی حسین رستمی ۴۳ ساله است. (شاید با وجود این همه هیاهو و گرفتاری این روزهای شهروندان دیگر کسی فراموش کرده است در دنیای هزار تارنگ انسانهای دیگری در گوشه و کنار این ممالک پهناور پیدا می شوند که درد های

کارگران حادثه دیده به پهناوری و گستردگی مراکز کار و کارخانه ها وجود دارند. حوادث ناشی از کار هر روز وجود دارد، ده ها کارگر دچار حوادثی میشوند که منجر به از

صفحه ۶

بیانیه دفتر سیاسی پیرامون مساله ملی در کردستان و تحركات ناسیونالیستی

نمایش گذاشته اند. همراهی ناسیونالیسم کرد در سوریه با دولت اسد و شروع مذاکره و سازش پ ک ک با دولت ترکیه نمونه هایی از این سیاست ارتجاعی است که در ماههای اخیر شاهد آن بوده ایم.

منطقه که مردم دولت های ارتجاعی و سرکوبگر را زیر ضرب مبارزات خود قرار داده اند احزاب ناسیونالیست کرد به تلاش برای سازش و همراهی با این دولت ها روی آورده و بار دیگر بی ربطی خود به مبارزه آزادیخواهانه مردم برای رهائی از شر این حکومت ها را به

یکی از پیامدهای تحولات اخیر منطقه خاورمیانه، تحرك ناسیونالیسم کرد در کشورهای مختلف برای رسیدن به توافق و سازش با دولت های سرکوبگر مرکزی بمنظور سهیم شدن در قدرت است. درست در دوره انقلابات و اعتراضات توده ای گسترده در

صفحه ۴

مراسم باشکوه روز جهانی کودک در سنندج



مراسم باشکوه روز جهانی کودک در سنندج با حضور صدها نفر از شهروندان، کودکان و نوجوانان برگزار شد!

مردم شهر سنندج روز سه شنبه به مناسبت روز جهانی کودک و در دفاع از حقوق کودکان مراسم باشکوهی را برگزار کردند. شرکت کننده گان در این مراسم صدها تراکت تبلیغی و پلاکاردهایی در دفاع از حقوق کودک، علیه خشونت و کودک آزاری با خود حمل

مراسم نصب شده بود.

میکردند و پلاکاردهایی در دفاع از زندگی کودکان جامعه در محل

صفحه ۴

صفحه ۵

نامه بهنام ابراهیم زاده از زندان به پسرش نیما

صفحه ۶

قطع نامه روز جهانی کودک

صفحه ۷

مختصری از تاریخ یک دوره / بخش سی ام / عبدال گلپریان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

آنها از دخالتگری کمونیسم در کردستان تبدیل شدن به جناح چپ جنبش ملی کرد است. آنها فکر نمیکنند که جنبش کمونیستی قائم به ذات یک جنبش اجتماعی در نقد جنبشهای دیگر است؟ برعکس آنها معتقد هستند که دخالتگری کمونیستها در کردستان و تلاش برای رفع ستم ملی به معنی تبدیل شدن به جناح چپ جنبش ملی کرد است؟

در این نوشته سعی میکنم به مواردی از این تبیینها در میان جریانهای چپ پردازم و عمق راست بودن و ناسیونالیستی بودن این تبیینها را نشان بدهم.

برای شروع بحث بهتر است از پاسخ به همین سوال آغاز کنیم: آیا کمونیسم جناح چپ جنبش ملی در کردستان است یا خودش قائم به ذات یک جنبش اجتماعی است؟ پاسخ به این سوال از منظر کمونیستها قائلان باید روشن باشد. انتظار میروید همه جریانهای چپ با هر تبیینی که از چپ و کمونیسم دارند، بگویند کمونیسم جنبش اجتماعی طبقه کارگر است و منتقد جنبشها و احزاب دیگر، از جمله منتقد جنبش و احزاب ناسیونالیستی است و در هر مبارزه ای با اتکا به خود و قدرت جنبش خود پاسخ خود برای معضلات آن جامعه را میدهد. طبعاً اگر این سوال را با این عریانی در مقابل هر فرد و جریان چپی قرار بدهید انتظار میروید پاسخی در همین چهار چوب به آن بدهد.

اما در مباحث سیاسی مربوط به تحولات کردستان و تبیینهای تا کنونی جریانهای سیاسی پاسخ اشان به این سوال ابداً به این راحتی و سر راستی نیست. بجز حزب کمونیست کارگری تا کنون هیچ کدام از جریانها و گروهها و جمعها و افرادی که در مورد مسایل کردستان اظهار نظر کرده اند پاسخ سر راستی به این سوال نداده اند. اکثر جریانها و افرادی که در این زمینه اظهار نظر کرده اند یک فرض مشترک و "عامه فهم" دارند. گویا در کردستان یک جنبش برای رفع ستم ملی وجود دارد که ناسیونالیستها و کمونیستها در آن دخیل هستند و دو سمت چپ و راست آنرا تشکیل میدهند. با این فرض مشترک، پاسخ همه

احزاب همپیمان خود در کنگره ملی کرد بدهند. کومه له وقتیکه این را نمیبیند توهمات و آرزوهای خود را به عنوان هدف آن کنگره تعریف میکند. صاحب خانه کار دیگری در دستور دارد و مهمان میخواهد آرزوها و توهماتش را دنبال کند.

کومه له در مقابل منتقدین خود گفته است این منتقدین "منزه طلب هستند چون پاسخی به جنبش ملی کرد ندارند و در آن دخیل نیستند." یعنی اگر کسی در "کنگره ملی کرد" شرکت نکرد و خود را بخشی از "جنبش ملی کرد" تعریف نکرد و بالاخره همراه و همپیمان جریانها ناسیونالیست نشد، منزه طلب است. از نظر رهبری کومه له کمونیستها باید آرزوهایشان را به جای واقعیت قرار دهند. یعنی کمونیستها باید فرض کنند که جناح چپ جنبش ملی کرد بودن، همان جنبش سوسیالیستی است. بنابر این باید بروند در آن جنبش حل بشوند تا مدال دخالتگری در "جنبش پر افتخار ملی کرد" را از کومه له دریافت کنند. اگر این سیاست را از کومه له بپذیریم باید با شعار زنده باد "جنبش ملی کرد!" برویم مهمان نخودی کنگره ملی به فراخوان بارزانی و پ.ک.ک بشویم. این تاکتیک و استراتژی کومه له در کردستان قبل از اینکه امتحان پس بدهد شکست خورده است. کومه له بهتر است نه خود به دنبال نخود سیاه برود و نه کسی را تشویق به این کار کند.

این سیاست کومه له نه تنها نفعی به حال جامعه نداشته است، باعث اختلاف و چند دستگی در میان فعالین خودش هم شده است. اما متد و سیاست تبدیل شدن به جناح چپ جنبش ملی به کومه له محدود نمیشود. ایرج آذرین نمونه همین چپ سنتی است که فکر میکند کمونیستها برای دخالتگری در "جنبش کردستان" و یا "جنبش برای رفع ستم ملی" (عین اصلاحاتی است که او بکار برده است) باید جناح چپ این جنبش را نمایندگی کنند. زیرا او هم معتقد است که "برای دخالتگری در جنبش ملی کرد باید به عنوان جناح چپ آن جنبش منتقد جناح راست باشید و شرکت در کنگره ملی کرد اگر به این

کمونیستها و انسانهای آزادیخواهی است که در سه دهه گذشته در مقابل روضه خوانی و کشیدن چادر سیاه، ترور و خفقان و سرکوب شادی و ستم کشی برزنان، مردسالاری و قتلهای ناموسی و اعدام ایستاده اند. و این اعتراضات را به محک آزمایش گذاشته اند.

قاتر خیابانی مریوان را باید خارج از جار و جنجال مزدوران و چماقداران ریز و درشت جمهوری اسلامی از وزیر ارشاد و فرهنگ و فرماندار و نماینده مزدور، بررسی کرد. خیابانی شدن تاتر در این شهر محصول رادیکالیسم انقلابی و کار اجتماعی است. این نوع تاترها را میتوان در بیشتر شهرهای ایران و شهرهای کردستان ایجاد کرد. شهر سنندج در سه دهه گذشته شاهد برگزاری ده ها فستیوال کودکان بوده که شادی و تفریح و توجه و نگاههای کنجکاو هزاران شهروند این شهر را به طرف آنها جلب، کرد.

درسه و کارایی تاتر خیابانی شهر مریوان در روند رو به پیش خصلت انقلاب آتی و جنبش سرنگونی، کارساز و یک روش زنده و رادیکال انقلابی خواهد بود. ما بارها اعلام کرده ایم که یک خصلت ویژه انقلاب آتی در ایران حضور کمونیسم خیابانی و در اشکال کارناوالهای خیابانی و یک مبارزه خیابانی و توده گیر و اجتماعی است.

جنبش اعتراضی و مبارزه برای شادی و آزادی، آتش زیر خاکستری است که با هر نوع گشایش سیاسی و باز شدن روزنه های پیشروی توده ای جامعه، زیانه های رادیکال این جنبش در فوران کردن و بهم وصل شدن هزاران مردم معترض خواهد بود که بر بنیانهای هر نوع اسلام سیاسی ارتجاع و سیاهی مذهب و اسلام را زیر پا می گذارند و یک شبه بجای آن شادی و آزادی را در

خیابانها جاری خواهند کرد. جامعه ایران همیشه متحول بوده. شهر مریوان در چند سال گذشته ملتهد و بلحاظ سیاسی سمبل و پیشرو اعتراضات رادیکال بوده است. اعتراض به احکام اعدام زانیار و لقمان مرادی، جنبش رادیکال زنان سرخ پوش در مریوان که در ابعاد بین المللی با استقبال آزادیخواهان روبرو شد، کنفرانس ۲ روزه زنان در شهر مریوان علیه ناموس پرستی و قتل های ناموسی، جمع آوی امضا در سطح شهر و استقبال شهروندان این شهر از کمپین و عکس العمل گویا به لایحه تصویب شده ازدواج با فرزند خوانده سیگنال های مثبت و امیدوار کننده ای هستند که مردم شهر و فعالین مبتکر تاتر خیابانی میتوانند در این تحولات بیشترین تاثیرات رادیکال را به نفع انسانیت، شادی و رهایی جامعه داشته باشند.

روز جهانی کودک در راه است. برگزاری با شکوه این روز جمع کردن کودکان آوردنشان به خیابانها، ایجاد امکانات شادی، نقاشی، تفریح و رقص و هر اقدامی که کودک را شاد کند مهم است.

برای من پیام و بازتاب اجتماعی تاتر خیابانی جایگاه مهمی دارد. جوان فعال و مبتکری که امروز خلاقیت و توانایی های هنری و علائق انسانی و شادی ایش را در معرض قضاوت مردم در خیابانها میگذارد، سمبل سخنگویان رادیکالی هستند که توانایی بسیج و متحد کردن هزاران شهروند در جامعه را دارند.

به امید روزهای پر تحول و شادی آفرین در خیابانها.

۱۵ مهر ماه ۱۳۹۲
۱۷ اکتبر ۲۰۱۳

رادیکالیسم آزرین است. اولاً این نقد به کومه له غیر واقعی است. کومه له نه تنها به جناح راست جنبش

منظور باشد ایرادی ندارد. نقد او به کومه له هم از این زاویه است که گویا کومه له به جناح راست جنبش ملی نقدی نداشته است. این نهایت

کمونیسم جناح چپ جنبش ملی کرد نیست...

ملی نقد کرده است، بلکه تماما خود را رقیب آنها در جنبش ملی کرد میدانند. جالب این است که آذرین همه این سیاستهای راست را تحت عنوان سیاست طبقه کارگر و راه حل کارگران و... بیان میکنند. گویا رسالت جنبش کارگری و جنبش کمونیستی این است که به جناح چپ جنبش ملی کرد تبدیل بشود تا دخالتگر باشد.

همانگونه که گفتیم بدون شک یکی از رایج ترین تبیینها در مباحث مربوط به رفع ستم ملی و مسئله کرد در میان همه جریانات سیاسی ایرانی قائل شدن به وجود یک جنبش واحد در کردستان است. ظاهرا این ترمینولوژی چنان سر راست و بدیهی است که مورد قبول همه جریانات چپ و راست قرار گرفته است. از گفته و تحلیلهای این جریانات میشود فهمید که همه در این تبیین شریک هستند. آنها معتقدند که در کردستان یک جنبش وجود دارد که "جنبش ملی"، "جنبش کرد"، "جنبش کردستان"، "جنبش کرد برای رفع ستم ملی" یا "جنبش مردم تحت ستم کردستان" خوانده میشود. گویا کمونیستها اگر نخواهند منزله طلب باشند باید در این جنبش فعال و دخالتگر باشند. از منظر این جریانات در کردستان یک جنبش ملی وعمومی برای رفع ستم ملی وجود دارد که احزاب چپ و راست آن جامعه هم جناحهای چپ و راست آن جنبش هستند. علیرغم تفاوت راه حل ها و سیاست این دو جناح چپ و راست، هدف مشترک هر دو پیروزی همین جنبش ملی است.

اگر رفقای کومه له به این اشاره میکنند که ما خود را در قبال "جنبش کردستان" بی وظیفه میدانیم و منزله طلب هستیم و... منظورشان این است که چرا در "جنبش ملی کرد" یا همان جنبش ناسیونالیستی کرد شریک نیستیم و برای پیروزی آن از موضوع چپ دخالت نمیکنیم. پاسخ روشن ما به این توهمات این است که کمونیستها برای رفع ستم ملی و حل مسئله کرد در کردستان با اتکا به جنبش رادیکال و سوسیالیستی طبقه کارگر دخیل بوده و هستند. کمونیستها بخشی از جنبش طبقه کارگر و جنبش نقد سرمایه در آن جامعه

هستند. با دخالتگری از موضوع جنبش سوسیالیستی پاسخ مشکلات و معضلات جامعه از جمله ستم ملی را میدهند. لازم نیست آنها مانند کومه له به جناح چپ جنبش ملی تبدیل شوند تا از نظر کومه له دخالتگر محسوب بشوند.

جدال کمونیستها با احزاب سیاسی منبعث از جنبش ملی یا جنبش ناسیونالیستی برای هژمونی پیدا کردن بر جنبش ملی کرد نیست. بلکه برای پیروزی جنبش سوسیالیستی است. این دو جنبش دو جهان بینی و دو افق متفاوت دارند. احزاب منبعث از آنها هم جنس جنبش خود و نشات گرفته از آن هستند. هیچ کدام از این احزاب نمیتوانند جناح چپ یا راست جنبش دیگری باشند. با این متد ما به این نتیجه پایه ای میرسیم که در کردستان جامعه بر محور دو افق از دو جنبش پارایزه شده و میشود. جنبش ناسیونالیستی و جنبش کمونیستی.

بنابر این احزاب منبعث از این دو جنبش نه تنها در استراتژی بلکه در تاکتیک و سیاست هم متفاوت عمل میکنند. همراه شدن و هم جنبش شدن با ناسیونالیستها و به جناح چپ جنبش ناسیونالیستی تبدیل شدن افتخار نیست. من اینجا به رفقای کومه له حق میدهم، ما در دخالتگری و شریک شدن در مشغله و جنبش و سیاست و اهداف ناسیونالیستی و ملی، منزله طلب هستیم. ما برای پیروزی پروژه ناسیونالیستها که امروز کنگره ملی کرد باشد، هیچ طرح و نقشه ای نداریم. ما سعی میکنیم آنرا به شکست بکشانیم. همان گونه که در قدرت گرفتن احزاب ناسیونالیستی کرد در عراق نه پروژه داشتیم و نه آنها را دوستان و هم سفره ایهای خودمان تلقی کردیم. ما همچنان هم تاکتیک و همراه و همپیمان این احزاب نبوده و نیستیم. جنبش ما در تقابل با جنبش ناسیونالیستی پا به عرصه وجود نهاده است. کومه له نمیتواند و محق نیست همراه شدن با آن احزاب را به معنی دخالتگری مثبت خود قلمداد کند. اگر کسی چنین تفسیری دارد به این دلیل است که خود را شریک آن جنبش و در

بهترین حالت بخش چپ جنبش ناسیونالیستی کرد تعریف میکنند. به همین دلیل است که میگویم کومه له خود را جناح چپ جنبش ملی تعریف میکند و این ربطی به سیاست و افق سوسیالیستی ندارد.

یکبار دیگر تاکید میکنم که ما از اساس با این تبیین مشکل داریم، که گویا در کردستان یک جنبش به اسم جنبش ملی کرد و یا جنبش برای رفع ستم ملی وجود دارد که قبلا در دست ناسیونالیستهای کرد بوده است و امروز کمونیستها باید برای تسلط خود بر آن جنبش دخالتگری کنند. تفاوت پایه ای حزب کمونیست کارگری با دیگر جریانات در کردستان همین است. ما قائل به دو جنبش سوسیالیستی و ناسیونالیستی در کردستان هستیم. ما در کردستان هیچ وقت تبدیل شدن به جناح چپ جنبش ملی را هویت کمونیستها تعریف نکرده ایم. کسی که فکر میکند دو طبقه اصلی در کردستان در جدال با هم و با حکومت مرکزی هستند و به همین دلیل دو جنبش در کردستان در جدال با همدیگر هستند، نمیتواند مدافع این تز باشد که خود را "جناح چپ جنبش ملی و یا جناح چپ جنبش کردستان" بداند. جناح چپ جنبش ملی شدن ربطی به کمونیسم و جنبش کمونیستی در کردستان ندارد. ناگفته نماند که همه جنبشها جناحهای چپ و راست خود را دارند و این کاملا واقعی است و ما هم داریم به همین واقعیت اشاره میکنیم.

جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در کردستان این خود آگاهی را نه اکنون بلکه در جریان جنگ با حزب دمکرات کردستان کسب کرد. منصور حکمت همان زمان در نقد تزه های عبدالله مهتدی گفت و نوشت که جدال ما با حزب دمکرات بر سر هژمونی پیدا کردن بر یک جنبش واحد به اسم "جنبش کردستان" نیست. زیرا ما احزاب منبعث از دو جنبش متفاوت در تقابل با همدیگر هستیم. جنگ و صلح و سازش و مذاکره ما با حزب دمکرات و دیگر احزاب ناسیونالیستی از همین زاویه معنی دارد که به عنوان دو جنبش و نمایندگان سیاسی و حزبی دو جنبش در مقابل همدیگر قرار گرفته ایم و

قرار نیست جدال ما با آنها بر محور تسلط بر جنبش ملی کرد تعریف بشود. زیرا نه کمونیستها میتوانند بر جنبش ملی هژمونی پیدا کنند و نه ناسیونالیستها میتوانند بر جنبش سوسیالیستی مسلط شوند. آنچه در دنیای واقعی میتواند اتفاق بیفتد این است که در هر دوره ای تعادل قوای معینی میان این دو جنبش و احزاب منبعث از آنها میتواند برقرار شود و یا یکی از آنها شکست بخورد.

به همین دلیل ما تا کنون بارها اعلام کرده ایم که قائل به وجود فقط یک جنبش واحد در کردستان نیستیم که گویا کمونیستها و ناسیونالیستها برای دخالتگری خود ناچارند به جناح چپ و راست آن تبدیل بشوند. آنطور که ایرج آذرین با صراحت آنرا بیان کرده است و محمد نبوی هم راست تر و از زاویه یک ناسیونالیست کرد آنرا تاکید کرده است. بحث من در مقابل آنها قرار میگردد. من میگویم ابتدا اینطور نیست که کمونیستها برای دخالتگری ناچارند به جناح چپ جنبش ملی تبدیل بشوند.

به حکم داده های واقعی جامعه سرمایه داری کنونی، یعنی حاکم شدن مناسبات و سیستم تولید سرمایه داری در جامعه کردستان، دو طبقه اصلی کارگر و سرمایه دار وجود دارد که هر کدام جنبش و افق و سیاست مخصوص به خود را دارند. جنبش سوسیالیستی در کردستان بویژه بعد از انقلاب سال ۵۷ شمسی یک جنبش قوی و اجتماعی است و دخالتگری کمونیستها در کردستان چه برای رفع ستم ملی و حل مسئله کرد و چه برای برقراری برابری و آزادی و... از نوع حقوق کودک و مبارزه علیه اعدام و مبارزه علیه جنبش اسلام سیاسی و... همگی فقط و فقط از زاویه جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در جامعه کردستان بوده است. ما هیچ وقت اینرا از ناسیونالیستها نپذیرفته ایم که در کردستان کمونیستها جناح چپ جنبش آنها باشند. ظاهرا ویروس چپ سنتی تحت عناوین دیگری دارد زنده میشود و دستاوردهای قبلی کمونیسم کارگری را خرنده و بدون تقابل روشن میخورد کم رنگ کند.

وجود دو جنبش کمونیستی و

ناسیونالیستی و دو افق متفاوت و احزاب منبعث از آنها در کردستان بخشی از داده های آن جامعه است. همین چپهای مورد بحث هم نمیتوانند اینرا انکار کنند. اما وقتیکه میخواهند تئوری دخالتگری خودشان برای رفع ستم ملی و حل مسئله کرد را توضیح بدهند و به سیاست و تاکتیک میرسند، تمام دنیای ایدئولوژیک شان سرورته میشود و خود را جناح چپ ناسیونالیسم کرد تعریف میکنند. گویا اگر کمونیستها بخواهند در جنبش برای برابری زن و مرد دخالت کنند ناچارند فمینیست بشوند و اگر از حقوق پایه ای و شهروندی و حقوق انسانی شهروندان بخواهند دفاع بکنند، ناچارند به سازمان حقوق بشری تبدیل بشوند و یا اگر در مورد محیط زیست فعال بشوند باید به بخشی از احزاب سبز تبدیل بشوند و...

بسیاری از این چپها نا آگاهانه به دام چنین مباحثی افتاده اند. در غیر این صورت ناشی از متد چپ سنتی و یا گرایش ناسیونالیستی آنهاست اما ناچارند به زبان و ادبیات چپ حرف بزنند. ادامه این بحث و نقد این نوع چپ کمک میکند که مستقیم و غیر مستقیم همین چپ نگرش خود را صراحت ببخشد. طبعاً در توضیح نگرش سیاسی خود عقب نشینی و یا صندلی عوض کردن آنها هم اتفاق می افتد. همچنانکه در مورد عبدالله مهتدی قبلا این اتفاق افتاد.

رفیق صلاح مازوجی در یک مصاحبه با تلویزیون کومه له و در پاسخ به نقدهای ما گفته است ما منزله طلب هستیم که در نقد کومه له و کنگره ملی کرد حرف زدیم و... "سیاست منزله طلبی این جریانات باعث شده است پاسخی به نیاز جنبشهای اجتماعی و در جریان کردستان ندهند."

اولین سوال من این است کدام جنبش مورد نظر رفیق صلاح است که ما دخالت نکردیم و حزب ایشان در آن دخیل بوده است؟ جنبش کارگری؟ جنبش علیه اعدام؟ جنبش علیه اسلام سیاسی؟ جنبش ضد مذهبی؟ جنبش در دفاع از حقوق کودک؟ جنبش برای آزادی زن؟ و یا جنبش علیه ستمگری ملی؟ در کدام یک از این جنبشها نقش کومه

از صفحه ۱

بیانیه دفتر سیاسی پیرامون مساله ملی ...

برخوردار باشند.

الحقوق در چهارچوب های کشوری بزرگتر هستیم.

ما همه مردم مبارز کردستان را فرامی خوانیم که برای بدست آوردن حقوق پایه ای خود، و به دست گرفتن سرنوشت خود با تمام قوا به میدان آیند و در عرصه های مختلف مبارزه حضور آگاه و متشکل خود را برای پیگیری آرزوها و تمایلات انسانی شان به نمایش بگذارند. لازم است کارگران و مردم زحمتکش کردستان در گردهمایی ها و مجامع عمومی خود با صدور قطعنامه و بیانیه این خواستها و مطالبات را مورد تاکید قرار دهند و برای به کرسی نشان رای و اراده خود بکشند.

حزب کمونیست کارگری ایران مبارزه علیه هرگونه ستم ملی را بخش لاینفکی از مبارزه وسیع تر خود برای برپایی انقلاب کارگری و جامعه سوسیالیستی می داند. انقلاب و جامعه ایی که با لغو استثمار سرمایه داری و از میان بردن تقسیم انسانها به طبقات ریشه های هرگونه ستم و نابرابری را می خشکاند و برابری واقعی یعنی امکان برخورداری از همه مواهب مادی و معنوی زندگی را برای همگان میسر می سازد. ما همه کارگران و مردم زحمتکش را به برپایی چنین انقلابی برای ایجاد یک جامعه آزاد و برابر و انسانی فرامی خوانیم.

دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ اکتبر ۲۰۱۳

۱۵ مهر ۱۳۹۲

۲- ما فدرالیسم و خودمختاری و هر طرح دیگری بر اساس قومیت را پاسخ "مسئله کرد" نمی دانیم. این آلترناتیوها نه راههایی برای حل مساله ملی بلکه نسخه هایی برای تداوم تخاصمات و کشمکش های ملی، برجسته کردن و ابدیت بخشیدن به هویت های ملی و قانونی کردن جدایی های ملی در چهارچوب یک کشور است.

۳- پاسخ اصولی ما برای رفع ستم ملی برابری حقوقی همه شهروندان در تمام شئون اجتماعی است. ما برای برقراری یک نظام سیاسی و اداری سکولار، غیرقومی و غیرمذهبی تلاش می کنیم که در آن برابری حقوقی کلیه اهالی و ساکنین مستقل از قومیت، جنسیت، نژاد، مذهب، اعتقادات، و غیره تضمین شده باشد. در عین حال ما از این حق مردم کردستان بطور کامل دفاع میکنیم که از طریق یک فرآیند آزاد در مورد جدایی یا عدم جدایی بعنوان شهروندان متساوی الحقوق کشور تصمیم بگیرند. ما هر نوع توافق از بالا میان دول ارتجاعی و احزاب ملی - عشیرتی کرد برای تعیین تکلیف سیاسی و حقوقی کردستان را مردود می دانیم و خواهان مراجعه به آراء آزاد و مستقیم خود مردم در مورد آینده سیاسی کردستان هستیم.

۴- بعنوان یک اصل عمومی ما خواهان زندگی همه آحاد مردم بعنوان شهروندان آزاد و متساوی

کردستان بدون عقب راندن ناسیونالیسم و افشای سیاستهای ارتجاعی و تفرقه افکنانه جریانات ناسیونالیستی ممکن نیست. بر این اساس مبارزه متحدهانه علیه ستمگرهای دولت مرکزی باید با مبارزه برای حاشیه ای کردن افق و سیاستهای تفرقه افکنانه و ارتجاعی نیروهای ناسیونالیست همراه شود. راه رهایی مردم کردستان گرد آمدن حول خواستها و مطالبات انسانی و برابری طلبانه و اتحاد و همبستگی با مبارزات سراسری توده های مردم علیه دولت های مرکزی در هریک از این کشورهاست. بدین منظور ما پلانفرم زیر را اعلام میکنیم و همه مردم و احزاب و جریانات آزادخواه در کردستان و خارج کردستان را به گردآمدن حول آن فرامیخوانیم:

۱- اعمال هر نوع ستم ملی و هر نوع تبعیض برحسب ملیت در قوانین کشور و عملکردهای دولت باید ممنوع شود. همه مقررات و قوانین تبعیض آمیز علیه مردم کردستان باید فوراً ملغی شود. سیاستها و اقدامات سرکوبگرانه علیه این مردم باید فوراً متوقف شود. هر گونه تبعیض سیاسی، فرهنگی باید خاتمه یابد. همه شهروندان جامعه باید مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی، مذهبی و نژادی از حقوق یکسان و مساوی برخوردار باشند. مردم کردستان باید از حق استفاده از زبان مادری خود در مکاتبات رسمی و در مراجع دولتی و در امر آموزش و پرورش و کلیه فعالیتهای اجتماعی

حاکمیت بیش از دو دهه احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق به تنهایی سند ورشکستگی این جریانات است و نشان میدهد که آنجا که این احزاب دستشان به قدرت برسد چیزی جز ارتجاع و عقب ماندگی، برقراری اعدام و سرکوب و زندان، رشد جریانات جنایتکار اسلامی و فساد و تبعیض و بیحقوقی، نصیب مردم نخواهد شد. احزاب ناسیونالیست کرد در سوریه و ایران و ترکیه نیز در این زمینه دست کمی از همکیشان خود در کردستان عراق ندارند. در کردستان ایران به یمن اجتماعی بودن کمونیسم و نفوذ آرا و افکار چپ و سوسیالیستی دامنه عمل ناسیونالیسم کرد محدود تر است و جنبش سوسیالیستی و انقلابی دست بازتری دارد. وجود همین فاکتور باعث تقویت اتحاد و همبستگی مردم کردستان با مردم سراسر ایران و مبارزه متحد مردم سراسر ایران علیه جمهوری اسلامی شده است.

عامل مستقیم تبعیض و ستم بر مردم کردستان دولتهایی هستند که با تکیه بر ناسیونالیسم عربی و یا ارتجاع اسلامی و یا پان ترکیسم و یا ناسیونالیسم عظمت طلبانه ایرانی و اعمال قوانین ستمگرانه و استفاده از نیروی نظامی حقوق پایه ای و شهروندی مردم کردستان را نقض و انکار می کنند. خلاص شدن مردم کردستان از ستم و تبعیض منوط به مقابله با این دولتها و مبارزه متحد مردم علیه نابرابری و تبعیض است. ما تاکید داریم که رهایی مردم

تلاش احزاب ناسیونالیست کرد عراق برای برپایی آنچه آنرا "کنگره ملی کرد" مینامند و قرار است با گرد آوردن احزاب و جریانات ناسیونالیست کرد از کشورهای ترکیه، سوریه، عراق و ایران صورت گیرد، سیاستی در همین راستا است. در واقع احزاب ناسیونالیست کرد عراقی با این ابتکار رویای این را دارند که بعنوان احزاب حاکم در "اقلیم کردستان عراق" به دولتهای منطقه نزدیک شوند و از این طریق جایگاه خود را در برابر دولت مرکزی عراق و همچنین در مقابل رقبای ناسیونالیست خود مستحکم تر نمایند.

تحركات جریانات ناسیونالیست نه تنها کمکی به خلاصی مردم بخشهای مختلف کردستان از ستم ملی نمیکند، بلکه کشاکش های خونین آینده بر سر مناطق نفوذ نیروهای ناسیونالیستی را پی ریزی میکند و از طرف دیگر شکاف میان مردم کردستان با بخش های دیگر مردم را دامن میزند. ناسیونالیسم کرد تاریخاً نیز نشان داده است که نه فقط در مورد ستم ملی بلکه در هیچ زمینه ای با روند ترقیخواهی و امیال و آرزوهای توده های مردم کردستان همراه نیست و همواره بعنوان یک نیروی ارتجاعی مدافع و سخنگوی طبقات دارا، در حال مماشات با دولتها و نقطه مقابل منافع مردم زحمتکش بوده و با راه حلهایی نظیر خودمختاری و فدرالیسم به نهادینه شدن تفاوت های قومی دامن می زند. تجربه

از صفحه ۱ مراسم باشکوه روز ...

رهسپار شدند. این مراسم تا ساعت ۶.۳۰ دقیقه ادامه داشت.

در تجمع روز جهانی کودک پلاکاردهایی در رابطه با حقوق کودکان نصب شده بود. مضامین این پلاکاردها عبارتند از: کودکان باید در اولویت مسایل دولت و جامعه قرار بگیرند، استثمار کودکان ممنوع، ازدواج با فرزند خوانده یعنی اذیت و آزار کودکان تحت سرپرستی، ما خواهان لغو مصوبه ازدواج سرپرست با فرزند خوانده هستیم. خشونت بر کودکان ممنوع
کانون دفاع از حقوق کودکان

کودکان قربانی خشونت، کودکان کار و تبعیض برای حاضرین سخنرانی کردند.

در پایان این مراسم قطع نامه ای با ۱۵ ماده از تریبون محل مراسم قرائت شد و اوراق این قطع نامه در اختیار شهروندان قرار گرفت. مردم حاضر در محل مراسم مفاد قطع نامه را با کف زدن و تشویق مورد تایید خود قرار دادند.

مردم از ساعت ۳.۳۰ بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۶ مهرماه (۸ اکتبر ۲۰۱۳) از بسیاری از محلات شهرستانج به طرف مراسم در بزرگ راه چمران محل پارک آبی تی

حقوق کودکان از طرف کانون دفاع از حقوق کودکان سازماندهی شده بود شرکت کردند. فعالان کانون دفاع از حقوق کودکان با مردم در مورد مسایل کودکان صحبت کردند. تراکت ها و اوراق تبلیغی کانون در میان مردم توزیع شد و کودکان و نوجوانان به شادی و رقص پرداختند. جوانان برای کودکان گیتار نواختند.

موزیک های مدرن و موسیقی برای کودکان پخش شد. کودکان و نوجوانان شعر و دکلمه خواندند و فعالان حقوق کودک از تریبون محل مراسم در مورد مسایل و مشکلات



در این مراسم صدها کودک و نوجوان در فستیوالهای شاد: موسیقی، رقص، ایستگاه نقاشی و بازیهای تفریحی که برای حمایت از

از صفحه ۳

گمونیسم جناح چپ جنبش ملی کرد نیست...

له برجسته تراست؟ آیا میتوانید از نقش محسوس خودتان بجز جنبش ملی کرد حرف بزنید؟ ظاهراً کومه له شریک شدن و همراه شدن با احزاب ناسیونالیست کرد را "جنبشی" میدانند که باید کمونیستها در آن دخیل باشند، منظور رهبری کومه له هم غیر از این نمیتواند مصداق دیگری داشته باشد. اگر اینطور است باید در تعریف جنبش و حزب و تاکتیک و استراتژی کومه له شک کرد.

در همان مصاحبه ایشان چنین پاسخ میدهد: "در آینده اگر حکومت کارگری برقرار شد چکار باید کرد آیا در جلسات سازمان ملل باید شرکت کرد؟ آیا در سازمان جهانی کار شرکت میکنند؟ یا همه این نهادها را بایکوت میکنند چون بورژوازی هستند؟"

با این مثالها منظور ایشان از منزه طلب نبودن و دخالتگری در "جنبش" و یا جوابگویی به "نیاز جنبش" مشخص میشود که هدف او توجیه شرکت کومه له در کنگره ملی کرد است. گویا ما نوشته ایم هر نوع شرکت در اجلاس و تجمعات احزاب بورژوازی ممنوع است. اولاً این حقیقت ندارد. در ثانی سیاست و تاکتیک جریانانی که در حاکمیت باشند و یا در اپوزیسیون کاملاً میتواند تابع منافع و مسایل مختلفی باشد که در هر دوره میتواند معنی مشخصی داشته باشد. نمیتوان با این آسمان و ریسمان بافتن همراهی

با ناسیونالیستها را توجیه کرد. ثالثاً اینها "جنبش" نیستند که ما با عدم دخالت در اجلاشان منزله طلب بشویم. اینها احزاب سیاسی ناسیونالیست کرد هستند که شرکت کردن و همراه شدن با آنها معلوم نیست چرا تحت عنوان شرکت در این یا آن جنبش تعریف میشود و یا پاسخ به نیاز این یا آن جنبش تعریف میشود؟

آیا واقعا رفقای کومه له همراه شدن و شریک شدن با پروژه های احزاب ناسیونالیست کرد و دخالتگری در جنبشهای اجتماعی را یکی فرض میکنند یا خلط میحث میکنند؟ واضح است که این دو کاملاً باهمدیگر متفاوت هستند. اگر این بحث کومه له درست باشد و شریک شدن در پروژه آنها و همراه شدن کومه له برای پیروزی پروژه ناسیونالیستها برای جوابگویی به نیاز جنبش ملی کرد است، پس این يك واقعیت است که آنها به جناح چپ جنبش ملی تبدیل شده اند.

او در ادامه پاسخش به منتقدین کومه له میگوید: "همین سیاستها باعث شده است که جریانات چپ در کردستان عراق حاشیه ای باشند و تاثیر زیادی نداشته باشند". اولاً این ادعای رفیق صلاح مازوجی حاوی يك ذره حقیقت نیست و مشکلات چپ کردستان عراق دهها دلیل دارد و ما در حد خود به آنها پاسخ داده ایم. این نوع استدلال بیشتر از اینکه کمکی به آنها بکند حاشیه

ای بودن سیاست و رهبری کومه له فعلی در کردستان عراق را تاکید میکند. اگر این گفته رفیق صلاح را معیار قرار بدهیم و کم نفوذ بودن جریان چپ در کردستان عراق را ناشی از شباهت سیاست آنها با ما بدانیم، اولین سوالی که مطرح میشود این است، چرا کومه له در میان چپ کردستان عراق کم نفوذ است؟ چرا آن جریانات چپ تحت تاثیر کومه له نیستند؟ و... یکی از تبلیغتهای پوچ و بی پایه کومه له این بوده است که ما از کردستان عراق "هزیمت کردیم" و کومه له در کردستان عراق ماند. سوال اینست کجاست بیان کار کومه له چپ و فعال اجتماعی در مقابله با قتلهای ناموسی هزاران زن در همان کردستان عراق، کجاست حتی يك کلمه نقد در مورد فساد مالی و چپاول احزاب ناسیونالیست کرد حاکم در کردستان عراق؟ کجاست فعالیت کومه له در همان کردستان علیه بی حقوقی مردم و... این چه معمایی است که کومه له حاضر در محل در میان چپ کردستان عراق بی نفوذ است و حزب کمونیست کارگری "هزیمت" کرده آنقدر نفوذ دارد به قول رهبران کومه له چپ جامعه کردستان عراق تحت تاثیر ما است. آیا کومه له متوجه هست که چه تناقضات و تحریفهایی را دارد سر هم بندی میکند؟

۸ اکتبر ۲۰۱۳

از صفحه ۱ همزمان با برگزاری جلسه هیات ...

زاگرس در مقابل مجلس و سایر نهادهای دولتی و در پی شکایات آنان از کارفرما، رای به ابقا به کار و پرداخت کلیه مطالبات این کارگران داده بود اما کارفرمای شرکت فولاد زاگرس ضمن عدم تمکین به این رای، اعتراض خود را نسبت به آن طی شکایتی به هیات حل اختلاف اداره کار شهرستان قروه ارائه کرده بود و بر این اساس ظهر روز چهارشنبه این هیات برای رسیدگی به شکایت کارفرما تشکیل جلسه داد. در این جلسه که همگی ۹ نفر اعضای هیات حل اختلاف بعلاوه وکیل کارفرما و جعفر عظیم زاده به همراه چند تن از کارگران به نمایندگی از سوی کارگران فولاد زاگرس شرکت کرده بودند اعضای هیات پس از استماع موارد اعتراضی وکیل کارفرما و دفاعیات نماینده کارگران و بحث و شور در کلیه موارد به جلسه خود پایان داد و مقرر شد ظرف روزهای آینده رای

مقتضی را صادر کند. بنا بر این گزارش همزمان با اداره کار شهرستان قروه، مدیریت شرکت فولاد زاگرس از آنجا که میدانست کارگران در مقابل اداره کار تجمع کرده اند تلاش کرد بخشی از خاک ضایعات چندی به ارزش بیش از یکصد میلیون تومان را از کارخانه خارج کند اما دهها تن از کارگران فولاد زاگرس به محض اطلاع از این مسئله بلافاصله با عزیمت به محل کارخانه مانع خروج این مواد از آن شدند.

کارگران شرکت فولاد زاگرس اعلام کرده اند تا رسیدن به خواست خود مبنی بر بازگشت بکار و دریافت کلیه مطالبات معوقه از کارفرما، لحظه ای از پای نخواهند نشست.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۱۱ مهر ماه ۱۳۹۲

نامه بهنام ابراهیم زاده از زندان به پسرش نیما



نیمای عزیز پدر سلام!

گویی همین دیروز بود از میان اولین گریه ات به من لبخند زدی و من تو را در آغوش کشیدم، عطر تنت هنوز هم پس از سال ها بوی کودکی را می دهد. نگاهت هنوز پر از شیطنت های کودکی است. تو هنوز هم صاف و ساده و بی ریا هستی.

نیمای من پدرجان شاید در این روزهای پرخاطره ی ماه مهر و مدرسه حال و هوای دیگری داری و دست و پنجه نرم کردن با بیماری تو را رنجور و خسته کرده است. اما می دانی پدرت از هیچ چیز خسته نمی شد و هیچ کس نمی توانست کمر او را خم کند ولی این روزها کمرش خم شده است و شرمند تو و مادرت هستم که این دیوارهای زندان و سیم خاردارهای ظلم برج سوار بین من و شما فاصله انداخته است و خبرهای ناامیدکننده از قبیل کمبودیا گرانی دارو و بستری شدن همراه با شیمی درمانی در بیمارستان مرا می رنجاند.

حال وقتی کودک خودم و تنها فرزندانم اسیر بیماری است بیشتر خاطرات کودکانی را به یاد می آورم

که من و فعالان کودک در جمعیت دفاع از کودکان کار برایشان آستین بالا زده بودیم تا شاید قدری از رنج آنها بکاهیم. فرزندم نیمای من، گرچه از تو دورم ولی يك لحظه تصویر تو از دیدگانم دور نمی شود.

تو نیز تحمل کن و صبور باش و زندگی را فریاد کن. امیدوار باش و بدانکه دست تقدیر برای رنج های کودکان معصومی چون تو تبدیری در آستین دارد. در پایان نامه را با این پیام به پایان می برم. انسان باش، پاک دل و یکنل زیرا گرسنه بودن صدقه گرفتن و در فقر مردن بارها قابل تحمل تر از پست و بی عاطفه بودن است.

پدر زندانی ات بهنام ابراهیم زاده
زندانی اوین بند ۳۵۰
اتاق سه مهرماه ۹۲



قطع نامه روز جهانی کودک



شون نقاشی کنیم. پس بیایید باهم برای رعایت حقوق کودکان و تأمین عدالت و زندگی شایسته کودکان تلاش کنیم.

ما امروز اینجا جمع شده ایم که فریاد بر آوریم که کودک آزاری، خشونت، گرسنگی کودکان، استثمار کودکان، تحمیل جنگ و شکنجه، کشتار کودکان، رنج و مشقت بر کودکان لکه های ننگی است که از بشریت غیر متدین بجای مانده است و هنوز با اشکال مختلف در مناسبات و روابطه دنیای امروز بازتولید می شوند.

بشریت متدین می تواند جامعه را از این لکه های ننگ رها سازد. اینها شایسته يك جامعه انسانی نیست. آمده ایم که بگوییم در این دنیای غیر عادلانه امید و تلاش برای نجات قربانیان وضع موجود هست. آمده ایم که بگوییم همه کودکان به جامعه تعلق دارند. نباید کودکان این جامعه را با عنوان بی سرپرست، کودک بی پناه، کودکان کار و خیابان در دست سود جویان رها کرد. دولت باید شرایط بهتر زیستن کودکان را فراهم کند.

بنا بر این، همه باهم برای دفاع از حقوق و حیثیت کودکان در جامعه می کوشیم و خواهان تأمین مطالبات ذیل هستیم:

۱- رسیدگی فوری دولت به زندگی کودکان بی پناه، کودکان کار و خیابان، تأمین مسکن و امکانات رفاهی و زیستی برای آنان، بدون هیچ گونه عنبر و بهانه ای.

۲- آموزش و پرورش مدرن انسانی و رایگان برای همه ی کودکان.

۳- بهداشت و درمان رایگان برای همه کودکان.

سه شنبه ۱۶ مهر ماه سال ۱۳۹۲

دنیای بهتر برای کودکان تنها

یک رویا نیست، این دنیا با دست توانای انسان قابل تحقق و ممکن است. داشتن امکانات و زندگی شایسته برای همه کودکان جامعه تنها یک آرزو نیست، ایجاد جامعه ای سرشار از آسایش، رفاه و خوشبختی برای کودکان تنها یک خیال نیست، اینها با نیروی کار بشر، پیشرفت های علمی، تکنولوژیکی، فنی و صنعتی مدرن قابل تأمین و دست یافتنی است.

رعایت حقوق جهان شمول کودکان بلند پروازی نیست، رعایت حقوق کودک برآوردن توقعات يك جامعه انسانی و متدین است. رعایت حقوق کودک یکی از معیارهای بیان وجود عدالت در هر جامعه ای است. کانون دفاع از حقوق کودکان اعلام میکند که ما نمی توانیم دنیای کودکان را تنها به دو رنگ سیاه و سفید تصور کنیم. برای ما پذیرفتنی نیست که دنیای کودکان را به دوبخش دارا و ندار تقسیم کرده اند. همه نعمات و امکانات برای عده ای هست و برای اکثریتی نیست.

در جهت عدالت برای همه کودکان جامعه تلاش میکنیم. بر این کره خاکی علاوه بر رنگ سیاه و سفید رنگهای زیبا و متنوع دیگری هستند که نباید میلیونها کودک از دیدن آن در زندگی شان محروم شوند. رنگهای متنوع در امکانات

تفریحی، رفاهی و محیط زیستی قابل رویت و جلوه گر هستند. مثل قلم های رنگین، میوه های رنگین، خانه ها مناسب با منظره های زیبا و رنگارنگ و... اگر عدالت باشد می توانیم رنگها را به زندگی کودکان بیاریم و محیط زندگی همه کودکان را با رنگ های مورد علاقه

میریان و سندیچ گذرانند، در کمتر از ده دقیقه از سوی دادگاه انقلاب میریون در حالی که اجازه داشتن وکیل به وی داده نشده بود به ۱۲ سال حبس تعزیری و تبعید به زندان ایزه خوزستان و ۵ سال تبعید از ایزه به مهریز یزد محکوم شد. این زندانی سیاسی بدلیل اعتراض به حکم ناعادلانه خود در شهریور ماه سال ۱۳۸۶ اقدام به اعتصاب غذا نمود و بعد از قریب به ۵۰ روز اعتصاب غذا، به اعتصاب خود پایان داد، که در همان زمان در دادگاه تجدیدنظر استان سنه مجازات تبعید زندان و تبعید ایزه وی برداشته و محکومیتش به همان ۱۲ سال حبس تعزیری باقی ماند. گفتنی است که این زندانی سیاسی کرد در دوران محکومیت به بیماریهای متعددی از جمله دیابت، عمل جراحی باز روده، روماتیسم قلبی، ضعف بینایی، فلج تمام اعضای بدن به شکل ادواری، اختلال در سیستم اعصاب، مغز و اعصاب، دچار گردیده و هنگامی که به دلیل بیماریها بارها به مسئولین زندان اعلام کرده بود که باید تحت مداوای اساسی قرار گیرد که همواره از مسئولان زندان مورد بی توجهی قرار گرفته بود. بنابه آخرین گزارش از این زندانی سیاسی مدتی پیش نامبرده دچار فلج شدن تمام اعضای بدن

میشود و هم اکنون به مدت ۶ ماه است که از سوی زندان برای مداوا در بیمارستانهای بوعلی و فجر میریون، توحید و قدس سنه، و کلینیک های پزشکی در تهران، بستری و همواره تحت درمان پزشک قرار دارد که باتوجه به وضعیت وخیم جسمی و روانی که دارد کمیسیون پزشک قانونی استان سنه اعلام کرده که این زندانی توانایی تحمل حبس را ندارد، با این شرایط بارها و بارها درخواست آزادی مشروط این زندانی سیاسی از طرف مقامات قضایی استان سندیچ رد شده است.*

(ره)

نگاه هفته

از صفحه ۱

شهرستان میریون مراجعه کرده ولی هیچ مرهمی بر زخم های خانواده این کارگر زده نشده است شاید حکایت «حسین» از جای غمناک تر می شود که نه تنها خود بلکه هیچ يك از اعضای خانواده اش شامل هیچ گونه بیمه حمایتی نبوده و عملاً مخارج و هزینه های مداوا و درمان قطعی نغاعش را برای سالیان طولانی باید خود متحمل شوند و این حکایت تلخ و غمناک «حسین» ادامه دارد..... (نویسنده بهرام غلامی)

"امید شجاعی" فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی از زندان آزاد شد.

امید شجاعی در تاریخ ۲۱ اسفند سال ۸۹ به اتهام عضویت در کمیته هماهنگی و ارتباط با یکی از احزاب ایوبزیسیون رژیم دستگیر شد. وی در شعبه يك دادگاه اسلامی رژیم در شهرستان سقز به ۱۸ ماه زندان تعزیری و دو سال زندان تعلیقی و دو سال ممنوع الخروج محکوم شد و این حکم در دادگاه تجدید نظر استان کردستان تأیید شد.

مرگ کارگر سالخورده در پیرانشهر

۱۰ مهر: يك کارگر اهل پیرانشهر به نام "احمد" به هنگام کار دچار حادثه شد. این کارگر سالخورده برای درمان به یکی از بیمارستانهای ارومیه منتقل شد اما به دلیل شدت جراحت وارده جان خود را از دست داد.

عدنان رشیدی به بیمارستان منتقل شد.

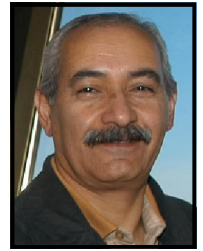
عدنان رشیدی در اسفندماه سال ۱۳۸۴ از سوی نیروهای امنیتی شهرستان میریون بازداشت و چهار ماه را در سلولهای اطلاعات

بزرگ تر و زخم های عمیق تری در خود احساس می کنند و در زیر سقف گیتی دوار با صبر و قناعت روزگار سخت خود را به امید از جنس مهربانی در انتظارند و چشمان خیس شده از اشک نداری و سختی را بر در انتظار دوخته اند تا شاید نسیمی از جنس مهربانی و دستی از روی عطف و فت گره گشای ذره ای از غم خانواده آنها باشد. «حسین رستمی» ۴۳ ساله یکی از این افراد است که در یکی از روستاهای دور افتاده شهرستان میریون از توابع بخش سرشویونام «کوردی رز» سالهاست با کارگری ساختمانی و عملگری روزگار سپری می کند و نان آور چهار فرزند قدونیم قدر برعهده دارد که متأسفانه در

۱۸ آذر ماه سال گذشته در صبحی از روزهای سرد ماه آخر پاییز بر اثر سقوط مصالح ساختمانی از ارتفاع دچار حادثه شده و از ناحیه کمر دچار شکستگی ۷ مهره پشت و عملاً بیشتر از ۸ ماه است زمین گیر و بر روی ویلچر و تخت خواب روزگار سخت و طاقت فرسا را با تمام مشکلات سپری می کند. برای شنیدن حرف های ناگفته «حسین» راهی خانه اجاره ای او شدیم که بناچار و برخلاف میل باطنی خود و خانواده اش به شهر میریون نقل مکان کرده است تا از نزدیک مشکلاتش را جویا شویم که بخت با ما یاری نکرد زیرا اطلاع پیدا کردیم که بیشتر از چندین روز است او را جهت ادامه مداوا به بیمارستان امام خمینی .. انتقال داده اند. همسر کارگر حادثه دیده از بی محبتی های مسئولین و ارگان های مربوطه دل پری دارد و اذعان می دارد که در طول این مدت بارهای متوالی به مسولین مربوطه از جمله اداره بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی



مختصری از تاریخ یک دوره / بخش سی ام



عبدل گلپریمان

فیض آباد

همانطور که در ابتدای این تاریخچه توضیح دادم انجام عملیاتی نظامی ما تاثیر گذاری سیاسی بر فضای شهر و روحیه مبارزاتی مردم بود. انجام عملیاتی نظامی بر روی مراکز نیروهای رژیم به همین منظور طراحی می شد نه الزاما به قصد ایجاد درگیری با آنها. مگر اینکه ناخواسته واحد ما مورد حمله یا تهاجم قرار می گرفت که در طول ماموریتمان و با هوشیاری تمام مانع از بروز چنین درگیریهای ناخواسته ای شده بودیم.

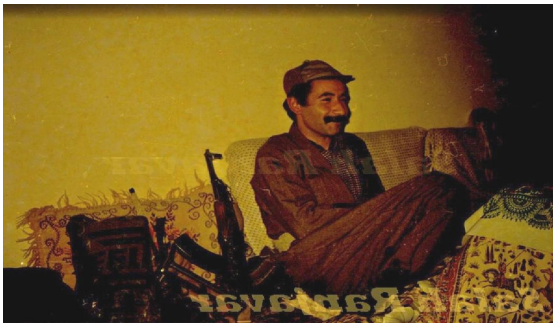
در طول دوران ماموریت دو وسیله سرگرم کننده برای اوقات فراغت در اختیار داشتیم. این دو وسیله عبارت بودند از یکدست شطرنج و یک عدد ضبط صوت. ضبط صوت کمی از نوار کاست بزرگتر بود و شطرنج نیز تقریبا همین اندازه بود. هر گاه به دو تیم تقسیم می شدیم هر کدام از این دو وسیله به نوبت در اختیار تیمها قرار می گرفت که اوقاتی از روز خودمان را با آن سرگرم میکردیم.

بعد از شناسائی ایست بازرسی فیض آباد عصر روز بعد در محلی در حاشیه شهر به رفقای واحد ملحق شدم. اسلحه و دیگر وسایل مرا نیز با خود به همراه داشتند. شب به روستای "سوره زه" که در سمت شمال شهر سندیج و تقریبا نزدیک به ایست بازرسی فیض آباد بود رفتیم. هوا سرد بود و برف حسابی همه جا را سفید پوش کرده بود و بیشتر شبها آسمان صاف و مهتابی بود. همگی به منزلی رفتیم و بعد از استراحت، صرف شام و گفتگوهای خودمانی با اهل منزل، برای خواب ما را به اتاق بزرگتری هدایت کردند که قبلا هیچ گونه وسایلی در آن قرار نداشت. فرش و لحاف و تشک را که می بایست در آنجا پهن می کردیم خودمان برعهده گرفتیم و اتاق را برای استراحت آماده کردیم. اما

هوای اتاق هم بیرحمانه سرد بود. برای اینکه اتاق مقداری گرمتر شود صاحب خانه بجای چراغ نفتی یک وسیله اضافی برقی که به آن "هی تر" می گفتند برآیمان آورد. هی تر عبارت از یک سیم فنی از فلز بود که در شیارهای یک آجر که با دست ایجاد شده بود قرار می گرفت و دو سر آن به برق وصل می شد. از شکل ظاهرش پیدا بود که خودشان درست کرده بودند. هی تر بفاصله نیم متر از بالش من قرار داشت. موقع خواب بود و همگی آنقدر خسته بودیم که بدون توجه به سرمای اتاق سریعاً بخواب رفتیم.

شطرنج در خواب و مصیبت هی تر

(آنشب خواب می دیدم که با رفیق جبار "دکتر جمشید" که پزشک واحد بود، داشتم شطرنج بازی میکردم. هر وقت می خواستم مهره را به خانه ای که مد نظرم بود بگذارم، قادر به گذاشتن مهره نبودم و هر لحظه که موفق به گذاشتن مهره شطرنج در خانه مورد نظر نمی شدم درد و سوزش خاصی احساس میکردم. چندین بار حرکت جابجایی مهره شطرنج را همچنان تکرار میکردم اما ممکن نبود که مهره در خانه مورد نظر من قرار بگیرد و هر بار همچنان درد بیشتری را احساس میکردم. نمیدانم این لحظات از نظر زمانی چقدر در خواب طول کشیده بود اما از شدت دردی که احساس میکردم بیدار شدم. موقع بیدار شدن درد و سوزش واقعی را تازه متوجه شدم آنهم این بود که کناره دست چپم که نزدیک به انگشت کوچک است روی هی تر افتاده بود. سریعاً دستم را کشیدم و آنقدر درد شدید بود که با صدای ناله های خفیف من بقیه بیدار شدند. دستم حسابی سوخته بود تا جاییکه میزبان هم متوجه سر و صدا شد و به اتاقی که ما در آنجا بودیم آمد. همه در تلاش بودند که درد ناشی از سوختگی دست مرا که حسابی کباب شده بود کم کنند. دکتر جمشید مسکنی به من تزریق کرد و بعد از پانسمن و کارهای اولیه، درد و سوزش ناشی از سوختگی مقداری کاهش پیدا کرد. روز بعد وضع سوختگی دستم افتضاح بود. تا بعداظهر همان روز



نه نه له، نصفه های شب به نقطه ای که از قبل مشخص کرده بودیم برویم.

تحرك نیروهای رژیم در شب و برای تعقیب ما کار مشکلی بود و معمولا خود را در شب به خطر نمی انداختند. حتی اگر متوجه حضور نقطه عقب نشینی ما در روستای نه نه له می شدند، آمدنشان به آنجا در آن وقت شب ممکن نبود. بنا به موقعیت محلی که ما به آنها حمله کرده بودیم حدسشان می توانست این باشد که به روستای سوره زه یا آره نان عقب نشینی کرده ایم که معمولا عقب نشینی های ما درست برعکس تصور آنها بود. تا نیمه های شب در نه نه له در منزلی ماندگار شدیم و به نوبت نگهداری می دادیم. تحرکی از سوی آنها هم بسوی روستا اتفاق نیافتاد. بعد از استراحت و خوردن غذای ساده ای مقداری نان و معمولا کره یا پنیر برای مسیر از منزلی که در آنجا بودیم برآیمان در دستمالی پیچیدند و از آنجا بطرف روستای قولیان حرکت کردیم. بار اول که برای شروع فعالیت واحد به روستای قولیان رفته بودیم، صاحب خانه به ما اطلاع داده بود که فرمانده پایگاه روستا شخصی از ژاندارمری و اهل کرمانشاه است و نسبت به مابقی فرماندهان پایگاههای روستاهای اطراف برخوردش فرق دارد و "آدم خوبی" است. گویا بارها در میان روستا مطرح کرده بود که اگر افراد کومه له وارد روستای قولیان شوند او هیچ گونه اقدامی برای درگیری با کومه له انجام نخواهد داد مگر اینکه کومه له ای ها بخواهند به پایگاه حمله کنند. البته این صحبتها که این فرمانده ژاندارمری مطرح کرده بود با تجربه ای که برای ورود ما به روستا پیش آمد صحت داشت.

آنشب که وارد روستا شدیم برف نسبتاً کمی دشتهای اطراف را سفید کرده بود و یک شب مهتابی بود. ما هم یکی یکی به فاصله از هم و از لابلاي درختان بدون برگ در حال وارد شدن به روستا بودیم که در این حین صدای شلیک یک تیر از پایگاه بلند شد. بلافاصله سگهای روستا که تا آن لحظه متوجه حضور ما نشده بودند پارس کردنشان شروع شد. این درحالی بود که من و یکی از رفقا هنوز کاملاً به داخل روستا نرسیده بودیم ولی چهار رفیق دیگر به نزدیک اولین منزل رسیده بودند و در سایه دیواری که در اثر مهتاب ایجاد شده بود ایستاده بودند. ما همچنان آهسته به راه خود بطرف رفقا که تقریبا تا رسیدن به آنها صد متری مانده بود ادامه می دادیم. در این لحظه از درون پایگاه صدایی با همان لهجه کرمانشاهی با بانگ بلند گفت: خیال نه کن نازمان هاتنه ناو آوای". معنی اش این بود که فکر نکنید نمی دونم که وارد روستا شدی. این صدای همان فرمانده اهل کرمانشاه بود که مردم روستا می گفتند آدم بدی نیست.

بعد از اینکه به رفقا که در کنار دیوار منتظر ما بودند رسیدیم، منزلی را که مد نظر داشتیم انتخاب کردیم. یکی از رفقا را کمک کردیم بالای دیوار رفته و از آنجا وارد حیاط شد. او بدون سروصدا وارد حیاط منزل شد و در را برای ما به آهستگی باز کرد. صاحب خانه قبلا با سرو صدای پارس سگها و پیام مسئول پایگاه بیدار شده بود و از پشت پنجره ناظر ورود ما بود، از اتاق بیرون آمد و به نزد ما آمد. بعد از روپوسی و خوش و بش کردن ما را به داخل هدایت کرد. برآیمان سریعاً جای آماده کرد و نان و خوردنی ساده ای آورد و بعد از استراحتی کوتاه گفت با صدای تک تیر پایگاه و حرفهای فرمانده پایگاه و پارس سگها بیدار شدم حدس زده خودتان باشید. هنوز تا روشن شدن

از صفحه ۶ قطع نامه روز جهانی ...



- ۴- ممنوعیت بهره کشی از کودکان .
- ۵- ممنوعیت انجام کار حرفه ای برای کودکان زیر ۱۸ سال.
- ۶- تامین امنیت ، آسایش و رفاه ، برخورداری از يك زندگی شاد و انسانی برای همه ی کودکان.
- ۷- ممنوعیت هرگونه مقررات و قوانینی که موجب خشونت و سختی بر کودکان است .
- ۸- ممنوعیت اعدام در جامعه و ممنوعیت حکم اعدام و شکنجه برای کودکان زیر ۱۸ سال.
- ۹- رفع هرگونه تبعیض و به رسمیت شناختن حق برابر برای دختر و پسر در برخورداری از حق ارث و سایر حقوق مدنی و اجتماعی.
- ۱۰- ممنوعیت بهره کشی از کودکان و نوجوانان کوله بر در شهرهای مرزی .
- ۱۱- تامین امنیت ، بهداشت و آموزش و پرورش برای کودکان پناهنده ، لغو مقررات و قوانین اجباری اخراج کودکان مهاجر از ایران و لغو مقرراتی که باعث محرومیت کودکان پناهنده از تحصیلات ، امنیت و زندگی اجتماعی می شود.
- ۱۲- تشکیل دادگاه عادلانه و صالح برای عاملین هرگونه خشونت و کودک آزاری در جامعه با حضور هیئت منصفه از طرف مردم.

۱۳- قانونی کردن حق ازدواج سرپرست با فرزند خوانده تجاوز به حقوق کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال است، تصویب این قانون زمینه سو استفاده از کودکان بی سرپرست را برای سو استفاده کنندگان فراهم میکند. ما خواستار لغو و توقیف فوری این مصوبه مجلس شورای اسلامی هستیم.

۱۴- تحمیل جنگ خانمان سوز به زندگی مردم کشور سوریه غیر انسانی و نا عادلانه است. فاجعه کشتار شهروندان، زنان و کودکان در سوریه را به شدت محکوم میکنیم. ما خواستار قطع بی درنگ جنگ و تامین امنیت و آسایش برای مردم آواره و جنگ زده این کشور هستیم.

۱۵- تحریم های اقتصادی توسط کشورهای سرمایه داری علیه مردم ایران را محکوم میکنیم و خواستار لغو فوری تحریمها علیه کشورمان هستیم. این تحریم ها باعث تشدید مشقت، گرانی، فقر و فلاکت بیشتر به زندگی مردم جامعه شده است. کودکان اولین قربانیان شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی تحت شرایط موجود هستند. پرتوان باد جنبش دفاع از حقوق کودک

کانون دفاع از حقوق کودکان
شرکت کننده گان در مراسم
روز جهانی کودک
شهر سنندج
۱۶ مهرماه ۱۳۹۲

آموزش رایگان حق همه کودکان است

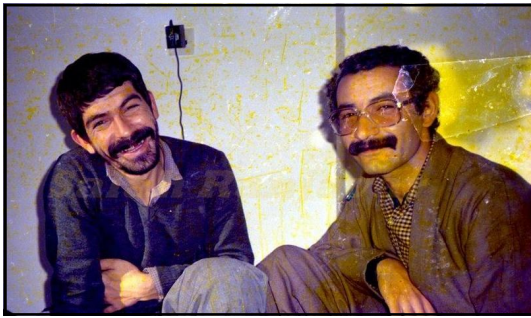
حق برخورداری از آموزش مناسب یکی از ابتدایی ترین حقوق انسانی است. این حقی است که مردم در بسیاری نقاط جهان به دولتها تحمیل کرده اند. در ایران اما هزینه تحصیل کودکان، باری سنگین بر دوش خانواده هاست. صدها هزار کودک به دلیل فقر خانواده از مدرسه رفتن محرومند. کودکان بسیاری ناچارند از سنین بسیار پایین کار کنند تا به نان شب خانواده کمک کنند. دهها هزار کودک بعنوان "کودک کار و خیابان" شناخته میشوند و از همه زندگی و تامین شادی کودکان محرومند و مورد انواع تعرضات قرار میگیرند. هزاران کودک به دلیل اینکه پدر و مادرهایشان زاده افغانستان و کشورهای دیگر هستند توسط حکومت اسلامی از حق درس خواندن محروم شده اند. همه کودکان بدون هیچ استثنائی حق دارند از آموزش رایگان و با استاندارد بالا برخوردار شوند. دولت موظف است شرایط تحصیل همه کودکان را مهیا کند

حزب کمونیست کارگری ایران

زندگی شاد، ایمن و خلاق حق مسلم کودکان است!

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۷ مختصری از تاریخ ...



هوای وقت باقی بود. در مشورت با او و اینکه صلاحید او چیست گفت بنظرم اگر خودتان بخواهید می توانید بمانید اتفاقی نخواهد افتاد تازه اگر فردا تصمیم به پاکسازی منازل بگیرند اینقدر آغول و طویله تو در تو در روستا هست که دستشان به شما نخواهد رسید می توانید آنجا مخفی شوید. از آنجا که به او و تمامی اهالی روستا کاملاً اطمینان داشتیم و اینکه در بدترین حالت ما می توانستیم بخوبی مخفی شویم، تصمیم به ماندن گرفتیم. از سوی دیگر در آن ساعات نزدیک شدن به صبح امکان رفتن به روستای دیگر نبود چرا که از ابتدا قصد ما ماندن در قولیان بود و چون مسئول پایگاه متوجه حضور ما شده بود برای ماندن تردید داشتیم.

بعد از عملیات ایست بازرسی فیض آباد نیز نمی شد در خانه باغهای اطراف مخفی شویم چرا که احتمال گشت گروه ضربت برای تعقیب ما در روز بعد وجود داشت. در نتیجه تنها راه ممکن و امن مخفی شدن در روستای قولیان بود. برای در نظر گرفتن هرگونه اتفاقی به دو تیم تقسیم شدیم که در صورت گشت و کنترل منازل، سبک تر قابل جابجا شدن باشیم.

تیم دیگر آماده رفتن به منزل دیگری که می شناختیم و از نزدیکان میزبان ما بود شدند. میزبانان هر دو تیم نقش نگهبان را در داخل و بیرون منزل ایفا می کردند و قرار شد اوایل صبح به محض مشاهده هر گونه حرکت غیر عادی سریعاً به ما خبر دهند. علاوه بر آنها در هر دو تیم نیز در داخل اطاق به نوبت هر یک ساعت یکی از ما بیدار می ماند و به این شکل اوضاع را زیر نظر داشتیم . آرزو هیچگونه اتفاق خاصی نیفتاد و حتی ناچار به مخفی شدن در آغول گاو و گوسفندان هم نشدیم. روز را به خوبی و خوشی و با استراحت به عصر رساندیم و بعد از خوردن شام و تارک شدن هوا با برداشتن نان و توشه ای از قولیان خارج شدیم. می بایست به مکانی که دستگاه بی سیم را در آنجا مخفی کرده بودیم برویم و خبر عملیات ایست بازرسی فیض آباد را برای پخش از رادیو گزارش می کردیم. از قبل گزارش را تنظیم کرده بودم و تیم سه نفره ای از رفقا می بایست مجدداً به مکانی که بی سیم را در آنجا مخفی کرده بودیم رفته و آنرا مخابره کنند.

ادامه دارد

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزاد کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com